

حقوقدانان و کارشناسان از تبعات حقوقی تهدیدهای مکرر عربستان علیه ایران می گویند

# تکرار تهدید، نقض حقوق بین الملل

◀ تهدید کشورها بر علیه یکدیگر در سازمان ملل و شورای امنیت قابل پیگیری است

◀ کشورها در صورت حمله نظامی می توانند برای دفاع از خود از اصل دفاع مشروع استفاده کنند



داشت با رسیدن به قدرت ناسازگاری خود با ایران را به شیوه‌های مختلفی نشان داد؛ از فرمان منع ورود ایرانیان به آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم گرفته تا مخالفت صریح با برجام و سنگ‌اندازی بر سر اهداف بکشاند؛ از همراهی با گروه‌های تروریستی و کمک‌سانی به آنها گرفته تا دفاع تمام‌قد از دشمنان قسم‌خورده ایران مانند اسرائیل. با برگزاری انتخابات در آمریکا و رسیدن دونالد ترامپ به قدرت، عربستان هم رزم تازه‌ای برای مبارزه علیه ایران پیدا کرد. «جنگ را به داخل خواهیم کرد که جنگ در عربستان درگیر، بلکه تلاش نه‌در عربستان.»

این صحبت‌های محمدبن سلمان منجر به واکنش مقامات ایرانی شد. به همین منظور محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در مقاله‌ای که در روزنامه العربیه الجدید به چاپ رساند در واکنش به صحبت‌های جانشین ولیعهد عربستان گفت: «خبراً یکی از مسئولان سعودی تهدید کرده که «جنگ را به داخل می‌کنیم ما آماده‌ای داریم صلح را به همه منطقه و پیش از همه به کشور عربستان سعودی هدیه کنیم.» همین‌طور بهرام قاسمی، سخنگوی وزیر امور خارجه در رابطه با این تهدید می‌گوید: «آنچه ایران طی سال‌های گذشته در کلام و عمل نشان داد، تلاش برای استفاده از نقاط مشترک برای حصول به تفاهم و گشودن باب همکاری با تمام کشورهای منطقه بوده و این‌گونه اظهارات درحالی‌که منطقه تنش‌آلود غرب آسیا بیش از هر منطقه دیگری به تفاهم و همکاری بین کشورها نیازمند است، دور از خرد سیاسی و گامی نادرست و خطایی راهبردی تلقی می‌شود.»

باین حال یکی از بحث‌های اصلی ترامپ در سفری که به عربستان پس از صحبت‌های محمدبن سلمان انجام داد، موضوع مقابله با ایران در منطقه بود که در این سفر بر این موضع بیشتر بافشاری شد و تبعات این تهدیدها تا جایی ادامه پیدا کرد که برخی حمله تروریستی داعش به حرم مطهر و مجلس شورای اسلامی را کار عربستان می‌دانستند. با این وجود تهدید به جنگ یک کشور علیه دیگر یک کشورها نقضی است که حقوق بین‌الملل و بین‌المللی است. در حالی‌که شورای امنیت است و تمام این موارد مصداق بارز نقض منشور ملل متحد و هم حقوق بین‌الملل است. حال اگر این تهدیدها جدی تر شد و حمله‌ای را به دنبال داشت، کشور متضرر می‌تواند از خود در برابر کشور متجاوز دفاع کند. یکی از ضمانت‌هایی که حقوق بین‌الملل دارد منشور سازمان ملل متحد هم آن را پذیرفته، اصل دفاع مشروع طبق این اصل اگر دولتی مورد حمله قرار گیرد، می‌تواند از خود دفاع کند ولی باید شورای امنیت را هم‌زمان در جریان کار خود قرار دهد. زیرا به محض این‌که شورای امنیت به این مسأله ورود پیدا کند و قصد کاری برای ایجاد صلح داشته‌باشد، طبیعتاً بحث دفاع مشروع خاتمه پیدا می‌کند، اما تا قبل از دخالت شورای امنیت دفاع طبیعی است و کشور متضرر می‌تواند در قالب عمل متقابل و در قالب اصل دفاع مشروع که ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد آن را تأیید کرده است، از خود دفاع کند و هیچ مانعی هم برای آن وجود نخواهد داشت.

سودای رسیدن به قدرت اول خاورمیانه و گرفتن جایگاه ایران و وحشت از تضعیف قدرت در منطقه، عربستان را هر بار در لیاس رزم تازه‌ای علیه ایران نشان داد تا شاید بتواند ایران را به‌عنوان حریف به میدان رزم بکشاند؛ از همراهی با گروه‌های تروریستی و کمک‌سانی به آنها گرفته تا دفاع تمام‌قد از دشمنان قسم‌خورده ایران مانند اسرائیل. با برگزاری انتخابات در آمریکا و رسیدن دونالد ترامپ به قدرت، عربستان هم رزم تازه‌ای برای مبارزه علیه ایران پیدا کرد. «جنگ را به داخل خواهیم کرد که جنگ در عربستان درگیر، بلکه تلاش نه‌در عربستان.»

این صحبت‌های محمدبن سلمان منجر به واکنش مقامات ایرانی شد. به همین منظور محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در مقاله‌ای که در روزنامه العربیه الجدید به چاپ رساند در واکنش به صحبت‌های جانشین ولیعهد عربستان گفت: «خبراً یکی از مسئولان سعودی تهدید کرده که «جنگ را به داخل می‌کنیم ما آماده‌ای داریم صلح را به همه منطقه و پیش از همه به کشور عربستان سعودی هدیه کنیم.» همین‌طور بهرام قاسمی، سخنگوی وزیر امور خارجه در رابطه با این تهدید می‌گوید: «آنچه ایران طی سال‌های گذشته در کلام و عمل نشان داد، تلاش برای استفاده از نقاط مشترک برای حصول به تفاهم و گشودن باب همکاری با تمام کشورهای منطقه بوده و این‌گونه اظهارات درحالی‌که منطقه تنش‌آلود غرب آسیا بیش از هر منطقه دیگری به تفاهم و همکاری بین کشورها نیازمند است، دور از خرد سیاسی و گامی نادرست و خطایی راهبردی تلقی می‌شود.»

باین حال یکی از بحث‌های اصلی ترامپ در سفری که به عربستان پس از صحبت‌های محمدبن سلمان انجام داد، موضوع مقابله با ایران در منطقه بود که در این سفر بر این موضع بیشتر بافشاری شد و تبعات این تهدیدها تا جایی ادامه پیدا کرد که برخی حمله تروریستی داعش به حرم مطهر و مجلس شورای اسلامی را کار عربستان می‌دانستند. با این وجود تهدید به جنگ یک کشور علیه دیگر یک کشورها نقضی است که حقوق بین‌الملل و بین‌المللی است. در حالی‌که شورای امنیت است و تمام این موارد مصداق بارز نقض منشور ملل متحد و هم حقوق بین‌الملل است. حال اگر این تهدیدها جدی تر شد و حمله‌ای را به دنبال داشت، کشور متضرر می‌تواند از خود در برابر کشور متجاوز دفاع کند. یکی از ضمانت‌هایی که حقوق بین‌الملل دارد منشور سازمان ملل متحد هم آن را پذیرفته، اصل دفاع مشروع طبق این اصل اگر دولتی مورد حمله قرار گیرد، می‌تواند از خود دفاع کند ولی باید شورای امنیت را هم‌زمان در جریان کار خود قرار دهد. زیرا به محض این‌که شورای امنیت به این مسأله ورود پیدا کند و قصد کاری برای ایجاد صلح داشته‌باشد، طبیعتاً بحث دفاع مشروع خاتمه پیدا می‌کند، اما تا قبل از دخالت شورای امنیت دفاع طبیعی است و کشور متضرر می‌تواند در قالب عمل متقابل و در قالب اصل دفاع مشروع که ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد آن را تأیید کرده است، از خود دفاع کند و هیچ مانعی هم برای آن وجود نخواهد داشت.

نادیده گرفتن قدرت او در منطقه شده‌است، تغییر ایجاد کند عربستان که هر بار از شیوه‌های گوناگونی برای تحریک و تهدید علیه ایران استفاده کرده در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و برای ضربه زدن به ایران و گرفتن قدرت آن رخ‌نمایی کرده است. از حمایت از بعضی‌ها در عراق گرفته تا مسلح کردن گروه‌های مخالف بشار اسد در سوریه، اقداماتی که جملگی به عقیده تعداد بسیار زیادی از کارشناسان منجر به ظهور هیولای خطرناکی به نام داعش شده‌است. البته بدیهی است که نباید ظهور داعش را تنها به این موهف‌ها فروکاست اما عدم پذیرش نظم جدید خاورمیانه از سوی سعودی‌ها نقش کلیدی را در این فرآیند بازی کرده‌است.

پس از جنگ جهانی دوم حقوق بین‌الملل براساس منشور ملل متحد بی‌ریزی و در پیی آن روابط بین دولت‌ها در صحنه بین‌المللی براساس آن تعیین شد. به همین منظور همان‌طور که در منشور ملل متحد مشخص شده، هیچ کشوری نباید کشور دیگر را تهدید به استفاده از زور و حمله نظامی کند، به همین منظور هر کشوری هم که عضو سازمان ملل متحد است باید براساس این منشور عمل کند و استقلال و تمامیت ارضی کشورها را بپذیرد. حال اگر کشورها تهدید به حمله نظامی یا تهدید صرف نظامی شدند، بر این اساس می‌توانند از کشوری که آنها را تهدید کرده‌است، شکایت کنند و این منشور علاوه بر حقوق اعلام دهنند و شکایت خود را پیگیری کنند، زیرا عمل کشور تهدیدکننده یک عمل متجاوزانه تلقی می‌شود و به همین دلیل کشور متضرر می‌تواند این رفتار را پیگیری کند. آنچه به‌عنوان تجاوز در حقوق بین‌الملل از آن یاد شده است، عبارت است از توسل به زور یا استفاده از نیروهای مسلح از طرف یک دولت بر ضد حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت دیگر. دولت‌ها در برابر تجاوز دولتی‌های دیگر می‌توانند به دفاع از خود بپردازند که در حقوق بین‌الملل هم دفاع در مقابل دولت‌ها به دو مورد ختم شده است. مورد اول دفاع انفرادی از خود و مورد دوم دفاع دسته‌جمعی از خود است.

با وجود این، حقوق بین‌الملل در دو مورد به دولت‌ها اجازه استفاده از زور هم داده است. مورد اول در صورت اجرای حق دفاع از خود است و مورد دوم مطابق فیصله شورای امنیت است، در صورت تهدید صلح. هرگونه اختلال صلح یا عمل تجاوز خواهد بود. با وجود این، در عصر حاضر ما شاهد تهدیدهای گاه و بی‌گاه کشورها و حتی اعلام جنگ و حمله جنگی و نظامی به یکدیگر هستیم. ایران و عربستان هم از این قاعده مستثنی نیستند.

داستان تهدید عربستان به امروز و دیروز و مدت زمان کوتاه ختم نمی‌شود. اگر مخالفت ایدئولوژیکی عربستان با ایران پس از سقوط رژیم شاه و روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران را کنسار بنگانیم، این قصه از زمانی آغاز شد که دولت صدام سقوط کرد و در پی آن قدرت عربستان در منطقه کاهش یافت. در نظم خاورمیانه پس‌اسلام، معادلات منطقه به سود ایران و به ضرر سعودی تغییر کرد. این تغییر از آن‌جا نشأت می‌گیرد که عراق دوران صدام که نقش موازنه‌گر در روابط و رقابت‌های میان تهران و ریاض را بازی می‌کرد، ناگهان از میان برداشته و به نفع حوزه ایران اضافه شد. عربستان‌ها که از این نظم جدید احساس ناخرسندی می‌کرد، در سال‌های پس از صدام تاکنون به شیوه‌های مختلفی تلاش کرده در وضعیت موجود که منجر به

**آیندا پیغامی** - **شهروند حقوقی** یکی از موضوعات مهمی که در حقوق کشورها در برابر یکدیگر مطرح شده و همواره مورد توجه بوده، ممنوعیت توسل به زور، تهدید و جنگ بوده است. این موضوع تا جایی ادامه داشته است که بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد به‌طور صریح اعلام کرده که کلیه‌اعضای روابط بین‌الملل خود، از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد سازمان ملل متحد میانیت داشته باشد، خودداری خواهند کرد. بنابراین اگر کشوری، کشور دیگر را تهدید صرف کند و حتی در این رابطه حمله‌ای هم انجام ندهد با این کار حقوق بین‌الملل را آشکارا نقض کرده‌است.

پیمان پاریس سال ۱۹۲۸ میلادی نخستین سند رسمی است که براساس آن جنگ ممنوع شده است. براساس ماده دوم این پیمان که به آن تأکید شده، طرف‌ها رسماً می‌پذیرند که اختلاف‌هاشان را فقط از راه‌های مسالمت‌آمیز حل‌وفصل کنند. بعد از جنگ جهانی دوم منشور ملل متحد تصویب شد. در منشور، راه‌های نسل‌های آینده از فاجعه جنگ و پذیرش رفتاری که در آن از نیروی مسلح هرگز استفاده نخواهد شد مگر به خاطر منفعت عمومی، یکی از اهداف عمده تعیین شد. در این منشور نه‌تنها توسل به نیروهای مسلح بلکه توسل به زور به هر طریقی که با اهداف ملل متحد ناسازگار باشد، ممنوع است.

۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌کند: «مجازات‌های جایگزین حبس از دوره مراقبت، خدمات عمومی و رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف یا ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضع یزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.» همچنین در قانون مذکور قانون‌گذار از تاسیس‌های نظام نیمه‌آزادی مشروط و تعویق صدور حکم که شرایط آنها به خوبی تبیین شده و نشان توسعه قضائی است، نام برده است. برخی کشورها نیز از راهکارهای جالبی مثل کار عام‌المنفعه استفاده می‌کنند. کار عام‌المنفعه یکی از تدابیر جایگزین زندان به شمار می‌رود که به موجب آن به بزهارک پیشنهاد می‌شود که با انجام کار رایگان به نفع جامعه به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطایی کار عام‌المنفعه یکی از گزینه‌های حکومت است که با تشخیص حالت بزهارک در قالب جبران خسارت و تمیم نظم مختل شده جامعه توسط او از طریق انجام یک کار رایگان برای جامعه مورد حکم قرار می‌گیرد. کار عام‌المنفعه در فرانسه، برای نخستین بار به موجب یکی از قوانین مصوب مجلس و به اتفاق آرای تمام احزاب سیاسی، در دهم ژوئن ۱۹۸۳ معرفی شد. در کشور ما نیز برخی از محاکم هستت که تمایل قضات را به استفاده از این کيفرها نشان می‌دهد.

ذکر این نکته حایز اهمیت است که تأکید بر استفاده از جایگزین‌های حبس به معنی تعطیلی این نوع مجازات نیست، بلکه بر اصلاح نظام استفاده از آن و بازنگری در آن می‌پردازد. به عبارت دیگر، آن‌چه در خصوص جایگزینی این مجازات مطرح است، کارآمدتر کردن زندان است. با بررسی منافع و مضراتی که استفاده از این مجازات برای جامعه دارد، باید یاد دیگر به بازنگری در نظام جرایم و مجازات‌ها پرداخت می‌شود و مجازات سالب آزادی را در مواردی که هزینه‌های آن برای مجرم، خانواده او و دولتی که قضائی از منافی که جادارکن و سلب آزادی وی به همراه دارد، بیشتر باشد، باید به فکر یافتن مجازات مناسب‌تری دیگری باشیم.

### داستنی‌های کیفری

## یافتن جایگزین مناسب برای مجازات حبس

◀ **آرش مومن‌نیا** | **کارشناس ارشد حقوق جزا**

یکی از جایگزین‌های زندان نام برد. تعلیق مراقبتی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «دادن آزادی به مجرم تحت‌سرپرستی و نظارت مددکاران اجتماعی به جای کیفر زندان در مدت معینی، به‌منظور آماده ساختن او برای بازگشت به زندگی اجتماعی.»
تعلیق مراقبتی به مفهوم نوین آن امروزه در اکثر نظام‌های کیفری به‌عنوان یکی از مجازات‌های جانشین زندان، نهادی است که با داشتن سازمان مستقل در چارچوب نظامی قضائی از طریق اعمال و نظارت بر مجرم، زمینه‌ساز مجرم را به منظور اجتماعی شدن و بازگشت به جامعه فراهم می‌سازد. اما متأسفانه در کشور ما به جز مقررات حاکم بر تعلیق ساده سنتی، هنوز چنین نهادی برای این منظور تاسیس نشده و چند نتیجه معدود کسانی که مشمول تعلیق ساده قرار می‌گیرند، هیچ‌گونه سرپرستی و نظارتی بر رفتار آنها در زمان تعلیق به منظور آمده ساختن برای بازگشت به اجتماع صورت نمی‌گیرد و اصولاً هیچ سازمانی به‌طور رسمی یا غیررسمی متکفل این وظیفه و کارساز نیست.

۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌کند: «مجازات‌های جایگزین حبس از دوره مراقبت، خدمات عمومی و رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف یا ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضع یزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.» همچنین در قانون مذکور قانون‌گذار از تاسیس‌های نظام نیمه‌آزادی مشروط و تعویق صدور حکم که شرایط آنها به خوبی تبیین شده و نشان توسعه قضائی است، نام برده است. برخی کشورها نیز از راهکارهای جالبی مثل کار عام‌المنفعه استفاده می‌کنند. کار عام‌المنفعه یکی از تدابیر جایگزین زندان به شمار می‌رود که به موجب آن به بزهارک پیشنهاد می‌شود که با انجام کار رایگان به نفع جامعه به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطایی کار عام‌المنفعه یکی از گزینه‌های حکومت است که با تشخیص حالت بزهارک در قالب جبران خسارت و تمیم نظم مختل شده جامعه توسط او از طریق انجام یک کار رایگان برای جامعه مورد حکم قرار می‌گیرد. کار عام‌المنفعه در فرانسه، برای نخستین بار به موجب یکی از قوانین مصوب مجلس و به اتفاق آرای تمام احزاب سیاسی، در دهم ژوئن ۱۹۸۳ معرفی شد. در کشور ما نیز برخی از محاکم هستت که تمایل قضات را به استفاده از این کيفرها نشان می‌دهد.

تحقیقات و پژوهش‌ها نشان می‌دهد بیش از ۵۰درصد مردم موافق زندان‌زدایی و استفاده از جایگزین آن هستند و این موضوع به نوع جرم هم بستگی دارد. مثلاً بیش از ۷۰درصد مردم موافق زندان‌زدایی در مورد زندانیان مربوط به مهریه، ۵۰درصد موافق زندان برای مجرمان در زمان درگیری و در مقابل بیش از ۲۰درصد مخالف زندان‌زدایی برای زندانیان سرقت از صندوق هستند. برخی از افراد اظهار عقیده کرده‌اند که اگر سرقت از روی نیاز باشد، باید زندان‌زدایی کرد. در مورد زندانیان چک ۴درصد مردم مخالف جایگزین حبس برای چنین عمل مجرمانه‌ای بوده‌اند. همچنین متفقان بیان کرده‌اند مردان بیش از زنان و افراد دارای مشاغل آزاد و بیش از سایر گروه‌ها معتقد به استفاده از مجازات‌های جایگزین هستند. آنها بر آن هستند که مجازات‌هایی مثل زندان و شلاق کارایی لازم را ندارند و نیاز به جایگزین‌های مناسب‌تری دارند، چراکه دور کردن فرد از جامعه و روانه‌کردن او به زندان، روح مجرم را آزرده و موجبات سقوط بیشتر وی را فراهم می‌کند و یا هتک حرمت وی و بی‌ارویی او جنبه اصلاح و تربیت به خود نمی‌گیرد. در تحقیقات انجام‌شده از نسوی محققان وجود اثرات زیر در مجازات حبس به اثبات رسیده است. گرایش زندانی به انجام فعالیت‌های فرهنگی و اصلاحی در حبس‌های بلندمدت رو به کاهش می‌نژاد. حبس‌های بلندمدت در وضع معیشتی و درآمد خانوادگی زندانی اختلال ایجاد می‌کنند. در حبس‌های طولانی، فرد نسبت به شرایط زندگی و تربیت فرزندانش خود بی‌توجه می‌شود. در این حبس‌ها شرایط روانی فرد دچار اختلال می‌شود و مجرم‌شان از آزادی او آینده ناامید می‌شوند. نکته دیگری که به آن اشاره شده، مشکلات مالی است که در حبس‌های طولانی گریبانگیر خانواده زندانی می‌شود. اما اگر بخواهیم راهکارهایی در این زمینه بیان کنیم، تعلیق مراقبتی را می‌توان به‌عنوان

